



▲ اقبال صادقی

موانع شناخت اندیشه و شخصیت شهید وحدت ملی

بی‌تردید شهید مزاری یکی از تاریخ‌سازان معاصر افغانستان است که به حق از جانب دولت جمهوری اسلامی افغانستان، ملقب به «شهید وحدت ملی» گردیده است. با این وجود هنوز نیاز است که برای فهم و معرفی ابعاد اندیشه و شخصیت ایشان تلاش صورت گیرد. نوشته حاضر در صدد است که با دسته‌بندی افراد در قبال شهید وحدت ملی، بسترها و موانع فهم و شناخت شخصیت ایشان را بر اساس تیپ‌شناسی افراد برجسته سازد. از این رو افراد جامعه و نخبگان را می‌توان به هفت گروه طبقه‌بندی کرد که هرکدام آن‌ها بر اساس معیار، موضع و جایگاهی که دارند، دیدگاه و برداشت خاصی می‌توانند درباره شهید مزاری داشته باشند. در برخی موارد پیش‌فرض‌ها مانع اصلی برای فهم و شناخت واقعی به شمار می‌رود.

دانسته و از تمامی مزایای رفاهی محروم بوده و همیشه با اهانت و القاب ردی و پست خطاب می‌شده‌اند.

(دوره دوم) هزاره‌ها در دوران جهاد جزء پیشگامان آغاز انقلاب اسلامی در جهت آزادسازی کشور افغانستان از چنگ مزدوران و اشغالگران شوروی بوده است و در ۲۶ دلو سال ۱۳۵۷ اولین قیام از دره-صوف، منطقه معدن تور توسط (محمد حسین تحویلدار) شروع می‌شود و در کمترین زمان تمام مناطق شیعه و هزاره‌جات از دست اشغال‌گران دولت خلقی‌ها و کمونیست‌ها پاک‌سازی می‌شود و تا آخرین روز پیروزی مجاهدین، مناطق هزاره‌ها آزاد بوده و مجدداً در اشغال نیروی دولت قرار نمی‌گیرد و سرانجام اولین بار پیشنهاد همکاری و تسلیمی جنرال‌های شمال هم به حزب وحدت اسلامی مطرح می‌شود و حزب وحدت با کمک جنرال‌های سراندوی، شمال مزار شریف را تصرف می‌نمایند و بعد با هماهنگی با سایر مجاهدین از جمله احمد شاه مسعود بر اساس معاهده جبل‌سراج برای تسخیر کابل تصمیم‌گیری می‌نمایند و در پیروزی انقلاب، حزب وحدت اسلامی نقش برجسته و محوری داشته است.

(دوره سوم) تشکیل حکومت موقت در پاکستان توسط مجاهدین مقیم پشاور
با توجه به نقش برجسته و محوری هزاره‌ها در پیروزی

کسانی که آشنایی با تاریخ سیاسی مردم افغانستان و به‌خصوص هزاره‌ها در سه دوره جداگانه؛ زمان عبدالرحمان تا ختم حکومت داود خان - و از آغاز انقلاب اسلامی تا پیروزی آن - و از آغاز تشکیل حکومت موقت تا دوران مقاومت و شهادت شهید مزاری داشته باشند (دوره اول). در دوران عبدالرحمان در سالهای ۱۸۹۱ تا سال ۱۸۹۳ هزاره‌ها مثل سایر اقوام شاهد جنایت‌های جنگی و ژنوسایت هزاره توسط عبدالرحمان بوده‌اند و جرم این مردم در لاجرمی آنها بوده است و عبدالرحمان به‌عنوان عامل اجرایی سیاست هند بریتانیایی که در کتاب‌های تاریخ و به‌خصوص تاج‌التواریخ منتسب به امیر بی‌رحم است به این واقعیت اشاره شده است و امیر، بخش وسیعی از مردم هزاره را قتل عام کرده و زنان و کودکان آنها را اسیر و به‌عنوان برده فروخته و زمین‌های آنها را تصرف نموده است و در شدت برخورد با چنین قوم از شمشیر مذهب نیز بهره برده و با کافر خواندن آنها از هیچ‌گونه بی‌رحمی در جنایت دریغ نکرده است. از سوی دیگر بقیه‌السیف همین مردم تا اواخر حاکمیت ظاهرشاه نیز قامت خود را از زیر بار سنگین پرداخت اجباری بیش از ۲۵ نوع مالیات راست نتوانسته و با تحمل فشارهای سنگین و طاقت‌شکن به‌عنوان شهروندان بی‌حق و دست‌چندم، زنده بودن را برای خود غنیمت

افغانستانی سخنرانی نموده است. وی به‌عنوان یک شخصیت بی‌طرف و بین‌المللی می‌گوید که شهید مزاری تنها رهبر سیاسی افغانستان هست که مسائل روز افغانستان را به صورت دقیق و جزئی می‌دانست و برای بیرون رفتن از چالش‌های آن راه حل منطقی ارائه می‌نمود. برخلاف دیگر رهبران که همه سردرگم بوده و کلی-گویی می‌کردند.

دوم - جناب آقای اشرف غنی رئیس جمهور محترم افغانستان که در سال ۱۳۹۵ در خصوص شخصیت شهید مزاری می‌فرماید: من وقتی که شخصیت شهید مزاری را از منابع وافره که در اختیار من گذاشته بودند مطالعه کرده و به دست آوردم، شخصیت شهید مزاری با آنچه که دیگران معرفی کرده بودند از زمین تا آسمان فرق دارد و شهید مزاری اندیشه‌ای که داشته است می‌تواند باعث نجات افغانستان شود و افغانستان از این وضع نجات پیدا نمی‌کند مگر این که راهی را که شهید مزاری بیان کرده است پیموده شود و می‌افزاید که من شاخص‌های شهید وحدت ملی را در شخصیت شهید مزاری دیده و از این جهت لقب (شهید وحدت ملی) را به شهید مزاری داده‌ام و با افتخار هزینه کتاب‌های کتابخانه‌ای که به نام شهید وحدت ملی ساخته شود به عهده می‌گیرم. از مجموع اظهارات چنین شخصیت‌های بی‌طرف و واقعیت‌نگر چنین بدست می‌آید که ظرفیت شناخت واقعی شخصیت شهید مزاری در بیان و قلم آنها میسر بوده و قابل حرمت هست.

۳ کسانی که در احاطه هوای • نفس قرار دارند. این جماعت جز به خود به توانمندی دیگران سرخم نمی‌کنند. این‌ها اگر خود در رأس امور نباشند با هزاران توجیه و عذرتراشی بنی‌اسرائیلی و قیاس شیطانی گل و آتش، از زیر بار

انقلاب اسلامی، مجاهدین در پاکستان حکومت تشکیل می‌دهند و در آن هیچ نوع جایگاه برای شیعیان و حزب وحدت اسلامی در نظر نگرفته و عملاً مردم ما را از صحنه سیاسی کشور حذف نموده و در ادامه جنگ‌هایی جهت تطبیق پلان‌های حذفی در کابل به وجود آورده و بیش از ۱۲ جنگ در مدت دو سال و هشت ماه بر حزب وحدت اسلامی و مردم هزاره تحمیل کرده‌اند.

شهید مزاری دقیقاً با تمام وجود از این مسیر تاریخ ظالمانه عبور نموده و سراپا زخم این دوران را در بدن داشته و عقده بی‌عدالتی را در دل گرفته است. این دسته از مردم با معیار شناخت تاریخ سیاسی هزاره‌ها قادر خواهند بود که شخصیت شهید مزاری را مطابق با واقعیت آن شناخته و به شهید مزاری احترام گزارند.

۲ کسانی که به‌عنوان یک • شخصیت بی‌طرف و بدون ذهنیت قبلی در خصوص شخصیت شهید مزاری بر اساس گفتارها و عملکردهای شهید مزاری که مملو از صلح، برادری، عدالت اجتماعی، وحدت ملی، نابودی ظلم و انحصار و بی‌زاری از جنگ می‌باشد و شواهد عینی و معیارهای بین‌المللی که در عرف سیاست و جنگ و مدنیّت معتبر می‌باشد، تحقیق نموده‌اند و بر اساس آن شخصیت شهید مزاری را خواهند شناخت. اگر نقدی هم داشته باشند دقیقاً در جهت کمال اندیشه شهید مزاری بوده و قابل قدر است و خوب است که به دو نمونه عینی کسانی که شخصیت شهید وحدت ملی را زیر زه‌بین تحقیق برده و استنباط خود را از آن در میان گذاشته است، اشاره نمایم. اول - جناب آقای ویندریل نماینده خاص سازمان ملل متحد در سال‌های جنگ و مقاومت در غرب کابل که در سال ۱۳۹۵ در آلمان در جمع مهاجرین

۶۶

کسانی که در احاطه هوای نفس قرار دارند. این جماعت جز به خود به توانمندی دیگران سرخم نمی‌کنند. این‌ها اگر خود در رأس امور نباشند با هزاران توجیه و عذرتراشی بنی‌اسرائیلی و قیاس شیطانی گل و آتش، از زیر بار مسئولیت جمعی و مصالح کلان مردم شانه خالی نموده و سعی می‌نمایند با دروغ و نسبت دادن‌های بی‌دلیل و تهمت‌های ناروا، حواریون و اطرافیان خود را از دست نداده و چند روزی جهت اشباع خودخواهی، آنها را نگه دارند و تا لحظه مرگ دست از تهمت و توطئه بر نمی‌دارند و چنین دسته‌ای هرگز شهید مزاری را به صورت واقعی آن نخواهند شناخت.

۹۹

۶. جماعتی دیگر هم هستند که در هر جا بوی ریال و... آید، گاه و پگاه حضور به هم رسانده و در خیلی اوقات در صف انتظار پرسه می‌زنند. اگر گرسنه شوند علف‌زده و همه را ملول نمایند. اینها کسانی هستند که در سر هیچی نداشته و سبک مغزاند و فقط زبان دارند که آن را نیش نموده و در کام خود نگه می‌دارند و اگر فرصتی پیش آید، به رضایت ارباب بر تن کسانی که دوست ندارند فرو می‌برند و چنین آدم‌ها نیز تا ابد شخصیت رهبر شهید را نخواهند شناخت. البته که شناخت چنین موجودات هم هیچ تأثیری در شخصیت شهید مزاری ندارد.

۷. آخرین مجموعه کسانی شهید مزاری بی تفاوت بوده و کار به کار کسی ندارند و این جماعت یک حسنی دارند که اگر سودی به حال کسی نرسانند، ضرر هم نمی‌رسانند و از این جهت آنها دارای حرمت خواهند بود. در نتیجه آنچه که خیلی مهم است این است که معمولاً شخصیت‌های نامدار و تأثیرگذار در تاریخ، جاذبه و دافعه خود را دارند. اما آنچه که مهم است این است که یک شخصیت وقتی اندیشه‌اش جاودانه و ماندگار خواهد بود که اکثریت قاطع مردم را با خود داشته و در دوران زندگی و حتی پس از مرگ، باز هم نفش هدایت‌گرانه و رهبری خود را از دست ندهد و چنین فرد و یا افراد، جاودانه تاریخ خواهد بود و مزاری به‌عنوان شهید وحدت ملی دقیقاً یکی از آنها بوده و در جامعه خود برای اکثریت قاطع مردم پس از حیات، باز هم رهبر و هادی بوده و خیلی از رهبران که تا دیروز رقیب مزاری بوده‌اند در مرور ایام و بعد از شهادت‌ش سالها است که به این واقعیت اعتراف نموده و از شهید مزاری با نیکی یاد کرده‌اند و روی این مبنا به آن مرد بزرگ احترام می‌گذارند.

مسئولیت جمعی و مصالح کلان مردم شانه خالی نموده و سعی می‌نمایند با دروغ و نسبت دادن‌های بی‌دلیل و تهمت‌های ناروا، حواریون و اطرافیان خود را از دست نداده و چند روزی جهت اشباع خودخواهی، آنها را نگه دارند و تا لحظه مرگ دست از تهمت و توطئه بر نمی‌دارند و چنین دسته‌ای هرگز شهید مزاری را به‌صورت واقعی آن نخواهند شناخت.

۴. کسانی که در میدان سیاست خود را بازنده می‌بینند. متأسفانه در سیاست، بازی کثیفی وجود دارد خیلی از کسانی هستند که در چنین بازی دست از آرمانهای بلند خود بر می‌دارند و روبه فروش آن به ثمن بخش می‌نمایند و چنین جماعت همیشه سعی نموده که عملکرد منفی خود و ارباب درهم و دینار خود را توجیه نموده و کسانی که در راه آرمان خود پابرجا بوده و با قیمت جان خود، دست از آن بر نداشته و محبوب مردم شده‌اند را تحمل نکرده و سعی در ایجاد شبهه در عملکرد و شخصیت آنها نموده و خود زندگی رسوا و ذلیلانه را در پیش گرفته‌اند و چنین جماعت هم هرگز عظمت شخصیت شهید مزاری را اعتراف نخواهند نمود.

۵. کسانی که قلم به مزد هستند و از خود هیچ اندیشه و اراده نداشته و همیشه زندگی خود را در سایه قلم زدن دیناری استوار نگه داشته‌اند. برای این جماعت مهم نیست که از چه شخصی تعریف و از چه کسی نالیده شود. آنها آسمان را به زمین و زمین را به آسمان پیوند زده تا لقمه‌ای نان به دست آورند و چون خرمگس همیشه نقطه چرکین را شکار نموده و دهن آلوده دارند و این قشر ذلیل، بیچاره و بریده از همه‌جا در زیر کله این و آن خزیده و برای قلم نیشگون خود بازار یابی می‌نمایند و چنین افراد هم هرگز نمی‌توانند مزاری را درک نمایند.

“

متأسفانه در سیاست، بازی کثیفی وجود دارد خیلی از کسانی هستند که در چنین بازی دست از آرمانهای بلند خود بر می‌دارند و روبه فروش آن به ثمن بخش می‌نمایند و چنین جماعت همیشه سعی نموده که عملکرد منفی خود و ارباب درهم و دینار خود را توجیه نموده و کسانی که در راه آرمان خود پابرجا بوده و با قیمت جان خود، دست از آن بر نداشته و محبوب مردم شده‌اند را تحمل نکرده و سعی در ایجاد شبهه در عملکرد و شخصیت آنها نموده و خود زندگی رسوا و ذلیلانه را در پیش گرفته‌اند و چنین جماعت هم هرگز عظمت شخصیت شهید مزاری را اعتراف نخواهند نمود.

”